

عبدالجبار کاکایی، شاعر و ترانه‌سرا:

تبلیغ کتاب با ادبیات تعلیمی بی‌فایده‌است



عبدالجبار کاکایی، شاعر و ترانه‌سرای مطرح کشور باور دارد تا دلایل زیربنایی مطالعه را حل نکنیم تبلیغ کتاب با ادبیات تعلیمی بی‌فایده است، این شاعر هم‌زمان با «هفته کتاب» با ایستنا گفت‌وگویی انجام داده و درباره نگاه مناسبیتی به کتاب، افراط در پرداختن به آن در ایام خاصی مثل «هفته کتاب» برخلاف دیگر روزهای سال و همچنین جایگاه کتاب در رسانه‌ها صحبت کرده‌است. او می‌گوید: با ادبیات تعلیمی درباره موضوعی به نام کتاب که مفید بودن آن بسیار واضح است، نمی‌شود تبلیغ کرد. فکر نمی‌کنم کسی از مختصر خردی برخوردار باشد و مخالف کتاب باشد. مثل این است که برای هوا تبلیغ کنیم و بگوییم که هوا خیلی خوب است، نفس بکشید، به خدا این هوا، هوای بدی نیست. مثبت بودن بعضی چیزها جزو بدیهیات است.

کاکایی با اشاره به دلایلی که منجر به کاهش مطالعه می‌شود خاطرنشان می‌کند: ممکن است بعضی‌ها از سر نا‌توانی و کم‌حوصلگی فرصت نکنند کتاب بخوانند یا مشکلات دیگری داشته باشند اما من با این شیوه از تبلیغ کتاب موافق نیستم. به نظرم تأثیر چندانی ندارد. مادامی که دلایل زیربنایی مطالعه را حل نکنیم، این شکل از تبلیغ کتاب بی‌فایده‌است؛ مثل تبلیغی است که خیارفروش‌ها برای خیار یا ماست‌فروش‌ها برای ماست می‌کنند.

او یادآور می‌شود کتاب مسئله مهمی است، اما اینکه چرا جامعه ما به کتاب خواندن روی نیاورده‌است، دلایل تاریخی و جامعه‌شناسی زیادی دارد. یکی از دلایل آن، این است که در فرهنگ ما جا افتاده که یکی باید میرزا و ملا باشد و بقیه مستمع باشند. این فرهنگ آموزش داده شده و معمولاً در طول تاریخ میرزاه‌ا، ملاها و کسانی که اهل مطالعه و مکتب بودند جدا می‌شدند و الباقی مستمع بودند. در جلسات، هیئت‌ها و نشست‌های ما نیز پرسش و پاسخ مطرح نیست.

مشهد «معبر کتاب» می‌خواهد

سید احسان مصطفی‌زاده، فعال فرهنگی: خرداد امسال رئیس سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد گفت اکنون ۸۶ معبر مشهد ۳۳ نام تکراری دارند که باعث بروز مشکل در ابعاد مختلف شده‌اند و قرار است این نام‌های تکراری در قالب لوایحی به منظور تصویب به شورای شهر ارائه و درباره تغییر نام این معابر تصمیم‌گیری شود و از نام گل‌ها، مفاخر و شخصیت‌ها، نامی مشابه نام قبلی، اسامی ملی، مذهبی، مشهدی، شعرا، شهدا، شخصیت‌های دینی و مذهبی، اسطوره‌ها، نام دختر یا پسر و شماره‌گذاری با اعداد برای این معابر پیشنهاد شود. همچنین نایب رئیس شورای اسلامی شهر مشهد هم گفته است برای تغییر نام معابر سه مدل مشارکت محور، هویت محور و مدل تلفیقی وجود دارد و در مدل «مشارکت‌محور» از مردم برای تغییر نام نظرخواهی می‌شود. در مدل «هویت‌محور» نیز به عناصر هویتی در تغییر نام توجه می‌شود اما در «مدل تلفیقی» هر دو عنصر مشارکت و هویت مور د توجه است.

اکنون که بحث نام‌گذاری معابر شهری در مشهد خیلی داغ است و مسئولان هم پای کار این موضوع آمده‌اند و به مناسبت‌های مختلف هم به صورت فوری مصوبه‌ای در این زمینه دارند و از مشارکت‌های مردمی و پیشنهادها هم در این موضوع استقبال می‌شود و بحث تغییر نام‌های تکراری نیز در دستور کار هست و حالا که در هفته کتاب قرار داریم، بهترین زمان برای ارائه این پیشنهاد است که با نام‌گذاری معبری در مشهد به نام «کتاب» سهم این ارزش فرهنگی را در این شهر که از جهات گوناگون با کتاب ارتباط عمیقی دارد، بیش از پیش ارج نهیم.

بی‌گمان اگر این ایام از مدیران شهری، دومین کلان‌شهر کشور گزارشی در حوزه کتاب‌خوانی بخواهیم، فهرست درخور توجهی از اقداماتی که در این حوزه داشته‌اند منتشر می‌کنند، اما درخواست و نکته اصلی این است باتوجه به اینکه مشهد حالا دیگر گستره آن از ۶۰۰ کیلومتر هم فراتر رفته است و بالغ بر سه‌و نیم میلیون نفر هم جمعیت دارد و همیا با پایتخت در شاخص‌های مختلف کتاب‌خوانی پیش می‌رود - چه از نظر تعداد ناشران فعال و کتاب‌فروشی‌های معتبر و چه از لحاظ نویسندگان معاصری که در این شهر زندگی می‌کنند و یا مشهدی هستند و مهاجرت کرده‌اند - توجه دارد که از معبری به نام «کتاب» بهره‌برد.

نام‌گذاری یک حرکت تشریفاتی و نمادین است و نمی‌خواهیم مدعی شویم که اگر معبری به نام کتاب داشته باشیم سرانه کتاب‌خوانی افزایش پیدا می‌کند یا وضعیت و مشکلات و کتاب‌فروشان حل می‌شود یا جایگاه ناشران ارتقا پیدا می‌کند. اما حتما توجه به این موضوع و نام‌گذاری در این زمینه توجه مسئولان، مخاطبان، زائران و شهروندان را به فعالیت‌های غلظیمی که در حوزه کتاب در مشهد از سوی اشخاص و گروه‌های مردم نهاد ، نویسندگان، کتاب‌فروشان، انجمن‌های طلاب و دانشجویان و دانش‌آموزان و هر گروه و جمعی (فارغ از مجموعه‌های دولتی و شبه دولتی) انجام می‌شود، جلب می‌کند. این روزها که هر طیف سنگ‌نام‌گذاری خیابانی را برای علاقه‌مندی‌های خود به سینه می‌زند، بد نیست که ما هم سنگی را به سینه بزنیم که شاید برای فرهنگ و ارتقای جایگاه کتاب در دومین کلان‌شهر کشور، بد نباشد.

شهریار

روزنامه شهرامید وزندگی

شماره ۳۴۳۹ ۲۸ آبان ۱۳۹۹

۱۴

فرهنگ و هنر

فرهنگ و هنر

انتشار «مترجم» ادای یک نذر فرهنگی است

فصلنامه مترجم از دیروز تا امروز در گفت‌وگو با علی خزاعی‌فر



سمیرا شاهیان
lkouchakzadeh@shahraranews.ir

فصلنامه مترجم که از سال ۱۳۷۰ به سردبیری دکتر علی خزاعی‌فر در مشهد منتشر می‌شود امروز از جمله مجلات باسابقه و وزین کشور به حساب می‌آید به طوری که ترجمه در ایران با نام مجله مترجم و سردبیر نام آشنای آن که تجربه کارگردانی سینما و نویسندگی را نیز دارد، پیوند خورده است. «مترجم» مجله‌ای است علمی-فرهنگی که به مباحث نظری و عملی ترجمه می‌پردازد و تمرکز آن بیشتر بر ترجمه ادبی است. خزاعی‌فر که معرف گفتمان جدیدی در ترجمه در ایران است معتقد است ضعف در مبانی نظری ترجمه مهم‌ترین مشکلی است که مترجمان ما امروز با آن روبه‌رو هستند. به اعتقاد ایشان با اینکه ترجمه از یک سو ارتباط تنگاتنگی با زبان فارسی دارد و از سوی دیگر سایه سنگین خود را بر سر فرهنگ و تمامی حوزه‌های معرفتی در ایران انداخته است آن‌چنان‌که باید مورد توجه واقع نشده. از این رو، هدف مجله مترجم را فراهم آوردن زبان و زمینه‌ای برای گفت‌وگو درباره ترجمه و نیز آموزش ترجمه می‌داند.

درباره فصلنامه مترجم که بهار سال آینده به سی سالگی می‌رسد با خزاعی‌فر گفت‌وگویی داشته‌ایم که در ادامه می‌آید.

● آقای خزاعی‌فر، شما اولین مجله مترجم را در بهار ۱۳۷۰ منتشر کردید و بهار سال آینده این مجله سی ساله می‌شود. بفرمایید چه شد که به فکر انتشار این مجله افتادید و در آغاز با چه مشکلاتی روبه‌رو بودید؟

بنده در مورد اهمیت زبانی و فرهنگی

ترجمه نمی‌خواهم مبالغه کنم ولی اهمیت آن را هم نمی‌توانم نادیده بگیرم. اگر واقعگرایانه به مسئله ترجمه در ایران نگاه کنیم متوجه می‌شویم که ترجمه از یک سو ارتباط تنگاتنگی با زبان فارسی و از سوی دیگر ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و تمامی حوزه‌های معرفتی در ایران دارد؛ از علوم تجربی گرفته تا علوم انسانی. متأسفانه در ایران به خصوص در دانشگاه‌ها رسم است که به نقش ترجمه در حوزه معرفت بی‌اعتنایی می‌کنند. هدف این است که نقش تألیف را برجسته کنند،

مترجمان جوان تر منتقل نمی‌شد و ترجمه حرفه‌ای عملاً جایی آموزش داده نمی‌شد. مسئله دوم این بود که نه مترجمان خوب و نه مترجمان تازه‌کار درک درستی از نظریه ترجمه و اهمیت آن برای کار عملی ترجمه نداشتند و در گفت‌وگوها بیشتر به نقل خاطره و بیان مسائل کلی درباره ترجمه می‌پرداختند و کمتر از تجربیاتشان صحبت می‌کردند و رازهای کار آن‌ها ناشناخته باقی می‌ماند. همان‌طور که در سرمقاله اولین شماره مترجم گفته‌ام، هدف مجله فراهم آوردن زبان و زمینه‌ای

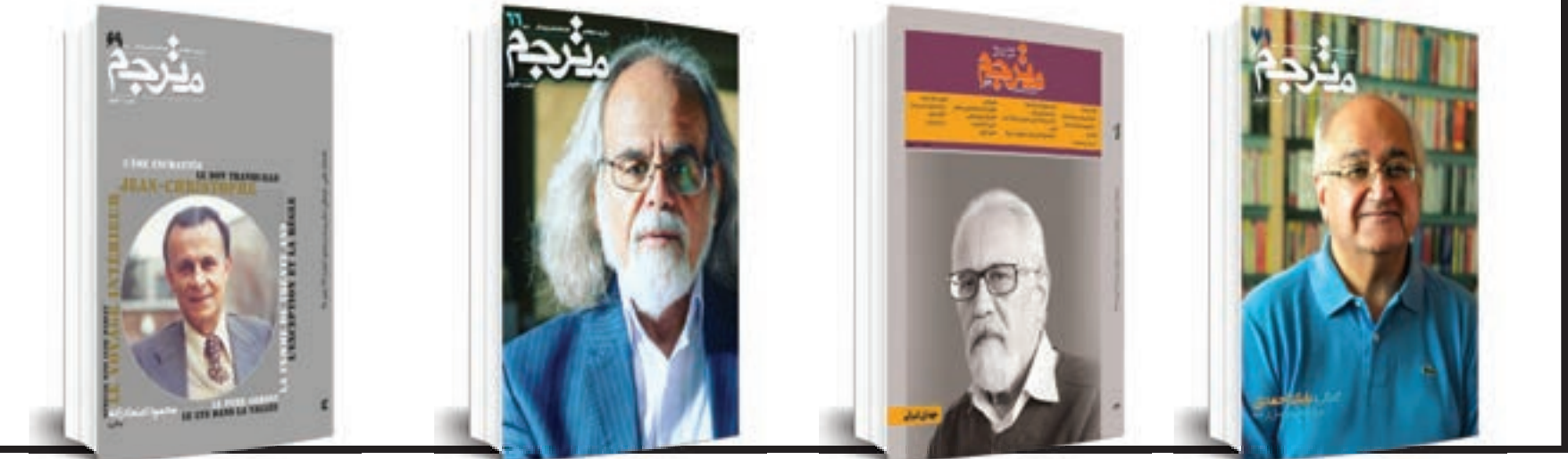
برای گفت‌وگو درباره ترجمه و نیز آموزش ترجمه بوده است. البته در سال‌های بعدی پژوهشی به خصوص در حوزه تاریخ ترجمه هم به دستور کارمان افزودیم. در مورد مشکلات آغاز کار که پرسیدید، با توجه به اینکه مجله در مشهد منتشر می‌شد و کانون ترجمه تهران بود، مهم‌ترین مشکل جلب توجه و اعتماد بزرگان ترجمه برای گفت‌وگو و نوشتن مقاله و نیز تثبیت مجله در سطح کشور بود. علاوه بر این، هیچ‌کس امید نداشت که مجله تداوم یابد. فکر می‌کردند آن‌قدر حرف درباره ترجمه وجود ندارد که بشود یک مجله به آن اختصاص داد. البته صحبت از سال ۱۳۶۹ است. امروز دیگر اهمیت و ضرورت این مجله یا مجلات دیگر در حوزه ترجمه بر کسی پوشیده نیست. باین‌حال ترجمه مثل ورزش یا سینما نیست که نویسندگان زیادی داشته باشد. حرف زدن به خصوص حرف مفید زدن درباره ترجمه کار دشواری است به طوری که حتی امروز هم با کمبود نویسنده روبه‌رو هستیم.

● خودتان دستاوردهای سی‌ساله مجله را چه می‌بینید؟

به نظرم برخی از دستاوردهای مجله از این قرار است: ایجاد زبانی برای گفت‌وگو درباره ترجمه؛ تثبیت این ادعا که نظریه ترجمه جزئی تفکیک‌ناپذیر از کار عملی ترجمه است؛ ارائه دیدگاهی نظری درباره شیوه ترجمه با محوریت زبان فارسی و خواننده ترجمه؛ جلب اعتماد بهترین مترجمان کشور و برقراری ارتباط با مترجمان که در انزوا کار می‌کنند؛ فراهم آوردن مواد لازم برای آموزش ترجمه در کلاس‌های آموزش ترجمه در دانشگاه‌های سراسر کشور؛ حفظ تداوم انتشار مجله به مدت سی سال و ارتقای آن به مجله‌ای در سطح ملی و جهانی.

● چطور توانستید اعتماد اهالی ترجمه را به خودتان و فصلنامه مترجم جلب کنید؟

ما در مجله مترجم نظریه را در ارتباط با عمل ترجمه مطرح کرده‌ایم. بر خلاف



روایت نشست مجازی چهلمین روز درگذشت خسرو آواز ایران

چله فراق و پیوند شعر و موسیقی

غلامرضا زوزنی
r.zouzani@shahraranews.ir

هر چند گسترش ویروس کرونا نتوانست جلو حضور مردم در تشییع پیکر خسرو آواز ایران، محمدرضا شجریان را بگیرد، اما مراسم چهلمین روز درگذشت او به دلیل شرایط این روزها به صورت مجازی و از سوی گروه‌های فرهنگی کشور برگزار می‌شود. در یکی از این نشست‌ها که عصرگاه دوشنبه، به همت خردسرای فردوسی و انجمن فرهنگی هنری سیابوش، در فضای مجازی برپا شد، جمعی از نخبگان فرهنگی، هنری، ادبی مشهد درباره جایگاه این استاد بی‌نظیر آواز سخن گفتند، شعر خواندند و ساز

محمدرضا سرسلاری، شاعر، اجرای این برنامه را بر عهده داشت و حسین صالحی، هنرمند خوش‌نویس، از آلبوم نفیسی که از مجموع آثار یازده خوش‌نویس مطرح خراسانی



دلیل است که میان ادبیات و شعر و موسیقی فاصله افتاد اما در آن دوره اشعار غنی و با محتوا و مفهوم بیشتری بودند و پیوندشان با موسیقی عمیق‌تر بود. کاری که استاد شجریان فقید انجام داد این بود که دوباره احیاکننده سنت پیوند میان موسیقی و شعر بود. امیدواریم این سنت از طریق نسل‌های

دری رواج داشت تا حدودی سنت پیوند میان موسیقی و شعر ادامه داشت، حتی شعرای بزرگ همانند رودکی و ... با کمک موسیقی اشعار خود را مطرح می‌کردند. البته شعر پیش از اسلام چندان عمیق نبود و شاید به همین دلیل چیزی از موسیقی آن دوره نیز به‌جامانده است. شاید به این

برای درگذشت محمدرضا شجریان گردآوری شده بود رونمایی کرد. علی فرزند مرحوم استاد غلامعلی پورعطایی نیز قطعات موسیقی به‌جامانده از خسرو آواز ایران را به صورت برخط اجرا کرد. مهدی زمانی عضو هیئت مدیره خردسرای فردوسی و مرتضی فریزی کرمانی، مجسمه‌ساز نیز در ادامه درباره شجریان فقید صحبت کردند. حورا پارسیان، گوینده رادیو و تلویزیون، بخشی از شاهنامه را خواند. نقاشی چهره شجریان که اثر زهرا صغری بود نیز در این برنامه به نمایش گذاشته شد. هنرمندان دیگری نیز به صورت برخط به شعرخوانی و نواختن ساز پرداختند. همچنین از کتاب «مهمان مهر»، مجموعه اشعار برخی از شعرا در فراق استاد محمدرضا شجریان نیز رونمایی شد.

● پیوند میان موسیقی و شعر
محمدجعفر یاحقی، شاهنامه‌پژوه و استاد زبان فارسی، در این ارتباط مجازی حضور